

ساکنان شبانه گرمخانه ها در سرمای زود رس پاییز / زخم های شهر من

زخم های شهر من فقط دیوارهای نزدیک بیمارستان های تخصصی امراض کلیوی نیست. زخم های شهر من فقط دیدن شماره تلفن افرادی که به دلیل نداری و فقر حاضر شده اند بخش مهمی از بدنشان را بفروشد نیست.

زهره حاجیان - زخم های شهر من شاید زنی است که از خجالت شناخته شدن سرش را پایین می اندازد و چادرش را تا منتهی الیه صورتش پایین می کشد و دستش را از زیر چادر به سمت مردم دراز می کند .

زخم های شهر من شاید کودکی ۷-۸ ساله است که سعی می کند خارهای گل سرخ دستش را نخراند و به رهگذران به تعبیر خودش خوشبخت گل بفروشد و یا آدامسی و شکلاتی و بیسکوییتی را به طرفشان دراز کند و اگر شانس بیاورد و با دعوا و اخم و ترش کردن صورت عابران روبرو نشود چند بسته ای بفروشد.

زخم های شهر من شاید - که نه- حتما مردانی است که دست روزگار از خانه گرم به زیر پل ها کشانده تا جانشان کم کم تحلیل برود و مردم و مسئولان کارتن خوابشان بنامند و مدام مشورت کنند که چگونه و کجا نگاه شان دارند؟

این نوشتار سعی می کند به بررسی اوضاع ساکنان شبانه گرمخانه ها در سرمای زود رس پاییز در پایتخت بپردازد.

برداشت اول : شب ؛ داخلی

دنیای این روزهای من ...

تمام زندگی شان در یک ساک خلاصه شده و معمولا آن را محکم می گیرند تا گم نشود و یا چیزی از محتویاتش کم نشود .

در ساکشان را که باز می کنند رد پای آوارگی در کوچه ها و خیابان ها روی آن نقش بسته است و لباس هایشان مانند زندگی شان بوی نا و ماندگی گرفته و سعی می کنند بودنشان را زیر ملحفه سفید پنهان کنند .

مثل قدیم نیست که گرمخانه پر باشد از معتادانی که کیپ تا کیپ روی تخت ها و زمین خوابیده باشند و زل بزنند به سقف سفید و برای آرزوهایی که داشتند و نشد که برآورده شود غصه بخورند و به فردا هم امیدی نداشته باشند .

اگر پای درد و دل افرادی که به هزار و یک دلیل از خانواده جدا می شوند بنشینیم هزار و یک دلیل برای کارشان می بافند و مقصر را تمام شرایط موجود در جامعه می دانند الا خودشان .

آنها انسان های دردمندی هستند که شرایط روزگار خنده راز لب هایشان ربوده و بیشتر در سکوت روزگار می گذرانند.

درست وسط سالن بخاری بزرگی است که وظیفه اش گرم کردن فضایی است که هر شب ۱۸۰ تا ۲۵۰ نفر از بی خانمان ها در آن جمع شوند تا از سرمای بیرون در امان بمانند و به یاد خانه یک وعده غذای گرم بخورند و به جان شهرداری دعا کنند .

کنار بخاری نشستن و دل دادن به حرف کسانی که درد مشترک دارند همیشه خوب است اما ساکنان موقت گرمخانه ها ترجیح می دهند گرمای آن را از دور حس کنند .

مهندس حسن مرادیان کارشناس شرکت بهینه سازی انرژی معتقد است که تفاوت زیادی میان بخاری های خانگی و صنعتی از نظر مصرف سوخت وجود دارد و می گوید : در اماکن عمومی مانند کارخانجات و شرکت های بزرگ استفاده از یک بخاری بزرگ صنعتی بسار به صرفه تر و معقول تر است .

مرادیان به وضعیت و لزوم استفاده از بخاری های بزرگ در اماکنی مانند گرمخانه ها اشاره می کند و می گوید: اماکنی مانند گرمخانه ها که تعداد زیادی از افراد به صورت موقت و معمولاً شب ها از آنجا استفاده می کنند نیاز به وسایل گرمایشی خاصی دارد تا بتواند گرما را مهمان تن کسانی بکند که مدت ها سرما آزارشان داده و نیاز به گرمای مطبوعی دارند و استفاده از چند بخاری گاز سوز معقول و میسر نیست و بهترین گزینه استفاده از بخاری های صنعتی است.

برداشت دوم : شب ؛ داخلی

وقت شام...

غذاشان معمولاً آش و سوپ و یا لوبیا یا عدسی است و گاهی پلو خورشتی است که در ظرف های یک بار مصرف سرو می شود. مردان کنار بخاری بزرگ سیاه رنگ می ایستند نوبتشان که می شود ظرف غذایشان را با خود می برند تا گوشه ای روزنامه ای پهن کنند و بنشینند به خوردن ...

میثم پسر یاسوجی متولد ۶۲ است و برای کار به تهران آمده و امشب دقیقاً ۵ روز است که کاری پیدا نکرده و ساکن گرمخانه شده است .

ظرف لوبیا را که در دستش می گیرد بخار غذا می خورد به عینک ته استکانیش و همه جا را تار می بیند و می خندد .

میثم می گوید :همراه پدر کشاورزی می کردیم و کشت و کاری داشتیم تا دست قضا پدر را از خانواده گرفت و دل و دماغ کار کردن روی زمین را از من و راهی تهران شدم برای پیدا کردن پول فراوان همه اهالی روستایمان می گفتند در تهران پول روی زمین ریخته باید یکی زرنگ باشد و جمع کند ...

می خندد و شیشه عینکش را پاک می کند و می گوید : از وقتی به تهران آمدم فهمیدم حرف اهالی روستایمان نه تنها درست نیست بلکه پول زیر پای فیل است باید سختی زیادی بکشی تا پول را از زیر پایش بیرون بکشی

برداشت سوم : شب داخلی

آشنایان غریب

بلافاصله بعد از خوردن غذا خودشان را به تخت ها و یا تشک هایی که روی زمین پهن شده می رسانند و در سکوت به آینده خود فکر می کنند .

با هم آشنا نیستند اما ته دلشان می گوید که با هم خویشاوندی دارند که دست روزگار هر شب آنها را به یک مکان مشترک و گرم می کشاند .

نگاه شان هیچ رنگی ندارد و صدای هیچ زنگی آرامش و سکوتشان را بر هم نمی زند سعی می کنند پاهای متورم شان را از هم پنهان کنند و به روی خودشان هم نیاورند که برای معتادی که ترک کرده و اوایل دوارن پاکی را طی می کند سه عامل خستگی و گرسنگی و عصبانی شدن مانند سم عمل می کند و امکان لغزش و برگشتن به طرف مواد را بیشتر...

محمد کهن سالار می گوید :من با کمک دوستانم و همت خودم توانستم مواد را ترک کنم اما وقتی یادم می افتد که در سرمای زمستان مجبور بودم زیر پل ها و کنار خرابه ها بخوابم و مورد لعن و نفرین شهروندان قرار بگیرم دلم می گیرد و دوست دارم که معتادانی که هنوز به نتیجه نرسیدند که مواد را کنار بگذارند کنار جوی ها و خیابان ها آواره نشوند .

معضلی به نام کارتن خوابی زنان

در این میان وضعیت زنان کارتن خواب سخت تر است به طوری که اخیرا شهیندخت مولاوردی معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده از وجود ۵ هزار زن کارتن خواب در کشور خبر داده و گفته: از میان ۱۵ هزار کارتن خوابی که در این کشور وجود دارند، ۵ هزار نفر زن هستند.

از سوی دیگر رضا جهانگیری فرد معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران هم گفته میانگین سن زنان کارتن خواب شهر به ۱۷ و ۱۸ سال کاهش یافته است.

جهانگیری فرد گفته است: زمانی در هشت سال گذشته عمده آمار زنان بی خانمان و کارتن خواب شهر تهران به زنان سالمند تعلق داشت اما این روزها شاهد حضور زنان جوان هستیم.. برای افزایش تعداد زنان کارتن خواب و کاهش سن زنان کارتن خواب دلایل متعددی

همچون اعتیاد و طلاق و خشونت های جسمی و جنسی علیه زنان را ذکر کرده اند. به گفته مسئولان در گذشته زنان و دختران فراری و کارتن خواب، برای رهایی از آسیب ها و خطرات اجتماعی مجبور بودند از لباس و آرایش های مردانه استفاده کنند.

اما امروزه این روند تغییر کرده است. تعداد زنان کارتن خواب و تنزل میانگین سنی آن ها به حدی زیاد شده که دیگر لازم نیست چهره زنانه شان را مخفی کنند و این سوال در ذهن ها نقش می بندد که چه اتفاقی افتاده که این زنان نقش زن ومادر بودنشان را فراموش کرده اند و خیابان ها را به خانه خود ترجیح می دهند و کارتن خواب شده اند ؟

باین حال اگر پاییز به این زودی سرد نمی شد که خون در رگ های ساکنان کارتن خواب ها یخ بزند واگر شهرداری هم حتی برای پناه دادن به آن ها آستین بالا نمی زد و گرمخانه هایش را راه نمی انداخت معلوم نیست چه اتفاقی برای کارتن خواب ها می افتاد؟

برداشت چهارم : مسؤل ما کیسیت ؟

ظرفیت اسمی گرمخانه ها کم است به جز گرمخانه های بهمن، خاوران و شرق وفتح با گنجایش ۵۰۰ تخت فلزی .

با این حال هنوز از این سو و آن سوی شهر خبر می رسد که هنوز کارتن خواب ها در خیابان ها روی کارتن های خالی مچاله شده اند

برداشت پنجم : تعداد سرویس ها کفاف نمی دهد

این مردان خسته حداقل سه روز یک بار باید حمام کنند اما تعداد حمام ها کم است و آنها با ید کمی منتظر بمانند تا دوست همدردشان بیرون بیاید و آنها بتوانند تن خسته شان را به دست آب گرم بسپارند و اگر توانی و کمی دلخوشی برایشان مانده باشد آرام ترانه ای را زیر لب زمزمه کنند و با انعکاس صدایشان در حمام دلشان غنچ برود و غم هایشان را

فراموش کنند.

سرویس های بهداشتی هم که کفاف استفاده حدود ۳۰۰ نفر را نمی دهد و مردان مجبورند اینجا هم صف بکشند.

برداشت آخر : شب داخلی

ساعت از ۱۰ شب گذشته و مردان خسته آماده خواب می شوند نگاهشان سرد و بیروح است از میان تخت های فلزی شان که رد می شوی انگار منتظرند سوال کنی تا جواب بدهند و از این سکوت رنج آور برای لحظه ای هم که شده نجات پیدا کنند .

نام مرد جوانی که روی تخت شماره ۳ نشسته و پاهایش را تاب می دهد مرتضی است.

۳۴ ساله است و باینکه ۴ ماه است مواد راکنار گذاشته و شده پای ثابت جلسات اما همسرش باور نمی کند و او را به خانه راه نمی دهد .

مرتضی می گوید: دلم برای دخترم سیما و سمیرا تنگ شده و نمی دانم چکنم تا زخم باور کند بخدا من ترک کرده و خوب شده ام

بیشتر شان کارگرانی هستند که از شهرهای دور به تهران آمده اند به امید پیدا کردن کار و بردن یک لقمه نان حالا برای اهل و عیالشان اما کار مناسبی پیدا نکرده اند بیشترشان یا کارگر ساختمانی شده اند و یا در بازار چرخی خریده و بارهای مردم را جابجا می کنند .

صمد ۵۲ ساله اما مرتب غر می زند و می گوید: ساعت ۷ صبح درهای گرمخانه باز می شود و ما مجبوریم برویم بیرون اما آن بیرون هوا سرد است کارهم که پیدا نکنیم بیشتر سردمان می شود و باید تا ساعت ۷ شب صبر کنیم تا بیاییم اینجا و گرم شویم

صمدها، مرتضی ها و محمد های شهرما زیادند و شاید زخمی بر چهره شهر من...

تعداد گرمخانه‌ها کافی نیست

در همین باره حسین طلا، سخنگوی مجمع نمایندگان استان تهران، با انتقاد از کمبود گرمخانه‌ها در تهران به خانه ملت گفته بود: این کمبود باعث شده تا گرمخانه‌ها بیش از ظرفیت خود پذیرای افراد باشند و همین امر موجی از نارضایتی را بین ساکنان آن مناطق ایجاد کرده است.

طلا درباره وضعیت گرمخانه‌ها در تهران و پیگیری مجمع نمایندگان استان تهران نسبت به رفع معضلات معتادان این گرمخانه‌ها، گفته بود که دو گرمخانه عمده در منطقه مشیریه و غرب تهران وجود داشت. براساس بازدیدی که از این دو گرمخانه صورت گرفت متوجه شدیم به دلیل عدم کارآمدی لازم در مورد جمع‌آوری معتادان و طی کردن فرآیند مربوطه معضلاتی گریبان‌گیر این گرمخانه‌ها و ساکنان منطقه شده است.

او درباره حضور بی‌خانمانان و معتادان در گرمخانه‌ها، تاکید کرده بود: بر این اساس مازاد معتادانی که فرآیند مربوطه برای ترک را طی کرده‌اند جذب گرمخانه‌ها می‌شوند که متأسفانه گاهی بیش از حد ظرفیت، شاهد وجود افراد در گرمخانه‌ها هستیم به‌گونه‌ای که اگر گرمخانه مشیریه ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر ظرفیت داشته باشد در زمستان این تعداد به ۱۲۰۰ نفر هم می‌رسد.

